

برای آن کس که ایمان دارد، ناممکن وجود ندارد.

www.mandegardaily.com

سال پنجم شماره یک هزار یکصد و چهل و دوم چهارشنبه ۲۷ سنبله/شهریور ۱۳۹۲ ۱۲ ذوالقعدة ۱۴۳۴ ۱۸ سپتمبر ۲۰۱۳

کرزی:

در انتخابات بی طرف مطلق خواهم بود



رئیس جمهور کرزی می گوید با وجودی که صداهایی برای تعویق انتخابات بلند می شود، اما انتخابات برگزار خواهد شد. آقای کرزی تأکید می کند که حکومت افغانستان برای برگزاری انتخابات اراده محکم دارد. اخیراً شماری از متفندان قومی از ولایات مختلف افغانستان در یک گردهمایی خواستار تعویق انتخابات تا سال ۲۰۱۸ شدند. اما این موضوع با واکنش های گسترده ای در رسانه ها و حلقات سیاسی مواجه شد. رئیس جمهور کرزی، روز سه شنبه ۲۶ سنبله ۱۳۹۲ در محفلی که زیر عنوان «جوانان و مسایل ملی» برگزار شده بود گفت: «انتخابات راه استحکام افغانستان است. راه محکم کردن پایه های مردم سالاری در افغانستان است...»

ادامه صفحه ۶

دخالت های آشکار آقای کرزی در انتخابات آینده

صفحه ۶



نماینده امریکا در امور افغانستان و پاکستان:

ما خواهان بازگشایی دفتر طالبان در قطر هستیم



وجود دارند.

او گفت: «من فکر می کنم، از لحاظ عینی منافع ایران و امریکا هرگاه باهم منطبق نباشند، دست کم مشترکاتی دارند. از لحاظ تاریخی...»

ادامه صفحه ۶

او گفت: «طالبان حالا به دلایل عملی نمی خواهند تا با ایالات متحده امریکا، با حکومت افغانستان و با هیچ کسی گفت و گو کنند.»

طالبان اخیراً دفترشان را در دوحه مرکز قطر گشودند؛ اما به زودی این دفتر تعطیل شد. زیرا حکومت افغانستان آن را دولتی در تبعید خوانده بود.

داینز معتقد است که سوء تفاهم در مورد نقش این دفتر عامل پیامدهای بعدی بود.

از سوی دیگر، داینز در باره همکاری مشترک ایالات متحده امریکا، ایران و افغانستان سخن زد.

داینز گفت: «هرگاه ما قادر گردیم که پیشرفت واقعی بی در مورد برنامه هسته ای به عمل آوریم، در آن صورت دقیقاً فرصتهایی برای پیشرفت در مسایل دیگر هم

نماینده ویژه ایالات متحده امریکا در امور افغانستان و پاکستان می گوید که برای مذاکره مستقیم با طالبان امیدوار می باشد.

جیمز داینز گفته است: «ما هنوز هم می خواهیم که گفت و گو صورت گیرد، گفت و گویی که ایالات متحده امریکا و طالبان مستقیماً در آن شامل باشند و همچنان شامل حکومت افغانستان و یا شورای عالی صلح آن باشد.»

داینز که انتظار می رود ریاست جناح ایالات متحده امریکا را در چنین مذاکراتی داشته باشد، به خبرنگاران در واشنگتن گفت: «ما امید را از دست نمی دهیم. ما به این امید ادامه می دهیم که در یک نقطه انکشاف مثبتی به وجود می آید، اما نمی توانیم پیش بینی کنیم که کی.»

وزیر دفاع:

خونین ترین سال را پشت سر می گذاریم



هرچند ریاست جمهوری افغانستان به برگزاری به موقع انتخابات در کشور تأکید دارد، اما مقام های امنیتی کشور از تلاش های استخبارات منطقه برای برهم زدن این برنامه خبر می دهند.

بسم الله محمدی وزیر دفاع افغانستان به روز سه شنبه در مجلس سنا گفت که برخی از کشورها نمی خواهند که انتخابات سال آینده افغانستان، برگزار گردد.

آقای محمدی شش ماه نخست... ادامه صفحه ۶

سرتاج عزیز:

ملا برادر انتخاب کند که کجا می رود



گذشته نمی شود و این بستگی به خود عبدالغنی برادر دارد و باید انتخاب کند که می خواهد در پاکستان بماند یا محل دیگری را برای زندگی انتخاب کند. چرا که تسلیم وی به دولت کابل بر روند سازش با طالبان اثر می گذارد.

اظهارات مشاور امنیت ملی و امور خارجه نخست وزیر پاکستان چند هفته پس از آن مطرح شد که حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان برای مذاکرات با دولت جدید پاکستان به اسلام آباد سفر کرد. وی از اسلام آباد خواست تا برای انجام مذاکرات...

ادامه صفحه ۶

مشاور ارشد امنیت ملی و امور خارجه نخست وزیر پاکستان اعلام کرد که دولت پاکستان ظرف چند روز آینده عبدالغنی برادر، رهبر سابق طالبان و مرد شماره ۲ این گروه شبه نظامی را آزاد می کند، اقدامی که دولت افغانستان آن را یک منبع امیدواری برای حضور این گروه در مذاکرات صلح می داند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، سرتاج عزیز، مشاور امنیت ملی و امور خارجه نواز شریف، نخست وزیر پاکستان گفت: کابل بارها از اسلام آباد خواسته که عبدالغنی برادر را که در جولای ۲۰۱۰ میلادی توسط مقامات پاکستانی دستگیر شده آزاد کند.

آزادی وی تعداد بازداشتی های طالبان را که دولت پاکستان از سال گذشته میلادی آزاد کرده به رقم ۳۴ تن می رساند و باعث می شود که این گروه شبه نظامی بر سر میز مذاکرات صلح با دولت کابل بیاید.

البته مشاور امنیت ملی و امور خارجه نواز شریف اعلام کرد که این فرمانده سابق طالبان در اختیار مقامها در کابل

در برگ ها



انتخابات:
آب مقدس و
تطهیرکننده!!!



اخلاق
اسلامی
و مسأله
نسبیت



یک رمانس
پسامدرن:
شوالیه
تاریکی اثر
کریستوفر
نولان



یک مقام سازمان
ملل در کابل:
وضعیت
حقوق بشر در
افغانستان رو
به وخامت است

حلیمه حسینی

انتخابات! آب مقدس و تطهیر کننده!!



نگرانی‌های مردم در مورد انتخابات، یکی از آن مسائلی است که باید به صورت جدی آسیب‌شناسی شده و مورد دقت و ارزیابی قرار گیرد. چرا که نگرانی‌های امروز اگر توجیهی درست و راه‌حلی منطقی فرا روی خود نیند، می‌تواند عامل مهمی شود برای دل‌سرد شدن شهروندان ما برای رفتن به پای صندوق‌های رأی. و با توجه به کم شدن توجه جامعه جهانی به افغانستان و به خصوص به راه افتادن یک موج منفی در غرب نسبت به این‌که: شهروندان افغانستان از خود هیچ علاقه و اراده‌ی برای نهادینه ساختن دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک ندارند و عوامل بی‌شمار ضد مردم‌سالاری در این کشور ریشه گرفته و مردم هم هیچ تمایل جدی‌یی برای تغییر این وضع ندارند، از این‌رو رویای داشتن حکومتی مردم‌سالار در این دیار هرگز تحقق نخواهد یافت و دیگر نیازی نیست که مالیات‌دهندگان غربی پول خود را در جایی مصرف کنند که ساکنانش با حکومت مردم‌سالار کاملاً بیگانه هستند!

اکنون افکار عمومی بیشتر کشورهای غربی در یک چنین فضا و حالتی قرار دارد و تنها قضاوت‌شان در مورد حرکت کند دموکراتیزه شدن فضای سیاسی افغانستان، عدم همکاری مردم و بی‌علاقگی خود آن‌ها در این راستاست. شاید این بی‌انصافی بزرگی باشد که در حق مردم ما صورت گرفته و قضاوت‌هایی از این دست، می‌تواند آینده سیاسی افغانستان را با مخاطره مواجه سازد. از همین بُعد هم که بنگریم، حضور مردم در انتخابات و رأی دادن شهروندان ما، می‌تواند پاسخی عملی باشد در برابر پرسش‌ها و تردیدهایی که یاد شد. بدین معنا که مردم ما جدا خواهان حاکمیت بر سرنوشت سیاسی‌شان هستند و انتخابات را راهی برای رسیدن به تحقق این آرزوی دیرینه‌شان می‌دانند. اما هستند کسانی که در این میان، هنوز از افکار و ایده‌هایی پشتیبانی می‌کنند که در میان مردم ما جایی نداشته و جای شگفت است که هنوز هم کسانی مثل طالبان، در گفتمان انتخاباتی افغانستان مورد تأکید هستند و حتا کسانی هم چون سفیر انگلستان در کابل، برای نماینده طالبان آرزوی کامیابی و پیروزی در انتخابات را می‌کنند.

با یک چنین چرخش‌ها و رویکردهای عجیب و غریب در فضای سیاسی افغانستان، انتخابات به نوعی تحت الشعاع قرار گرفته و پرسشی در افکار عمومی خلق می‌شود که اگر قرار باشد انتخابات آتی، راهکار و مکانیزمی باشد برای دوباره بر سر کار آمدن طالبان، فقط از راهی معقول‌تر و مقبول‌تر به نام انتخابات، آنوقت چه باید کرد؟ آیا شرکت در انتخابات، در حکم امضا کردن تداوم بدبختی و فلاکت ناشی از حاکمیت تفکرات افراطی و فرسوده و نخ نما شده گذشته نخواهد بود؟ یا در کل یک پرسش منبایی‌تر، که جواز ورود طالبان به میدان انتخابات چیست؟ طالبانی که از اساس با قانون اساسی مخالف‌اند، با کدام مینا و بر اساس کدام حق وارد کارزار انتخاباتی خواهند شد؟ و مهم‌تر از همه این‌که چرا کسانی چون سفیر انگلیس در کابل، با ضدونقیض‌گویی بر تنور طالبان می‌دمند و می‌خواهند نان و نوایی برای آن‌ها کسب کنند؟

از طرفی ادعا می‌کنند که ما هیچ دخالتی در انتخابات افغانستان نخواهیم داشت و از طرفی، آرزوی پیروزی طالبی را در انتخابات می‌کنند که هنوز مردم ما زخمی و صدمه‌دیده از کارکردهای دوگانه و چندگانه و آسیب‌زای‌شان هستند! به راستی چه کسانی در پس پرده در حال نقشه کشیدن برای نتیجه انتخابات هستند و در کل آیا رأی من و رأی تو، تغییر سرنوشت‌مان را به نفع خودمان و

سخن ماندگار پیمان امنیتی را وارد بازی‌های انتخاباتی نکنید!

رییس جمهور کززی روز گذشته در نشست جوانان و مسایل ملی، صحبت‌هایی را بیان داشته که نشان می‌دهد ارگ ریاست جمهوری هنوز از معاملات پنهان خود بر سر پیمان امنیتی دست نکشیده است.

قبلاً گفته می‌شد که جناب رییس جمهور در بدل حمایت ایالات متحده از نامزد مورد حمایتش، پیمان امنیتی با آن کشور را امضا خواهد کرد. اکنون آقای کززی در این نشست هرچند بر امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده تأکید کرده، ولی ظاهراً گفته است که برای امضای این پیمان، عجله‌ی ندارد.

اما به نظر می‌رسد که آن‌چه را او بیان داشته، حقیقت نیست. زیرا در ادامه این صحبت‌ها به نحوی نمایان می‌شود که اشاره آقای کززی به ضرب‌الاجل ایالات متحده (ایالات متحده خواهان امضای این پیمان در ماه آینده است) بهانه‌ی بیش نیست. آقای کززی در ادامه افزوده است که: «اگر تا ماه میزان این ضمانت‌ها را (تأمین امنیت و صلح، تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان، تقویت اقتصاد این کشور و حفظ حاکمیت ملی افغانستان) ندادند و به توافق نرسیدیم، انتظار بکشند تا حکومت آینده. حتمی نیست که من امضا کنم، منتظر انتخابات و حکومت بعدی باشند.»

اکنون این پرسش مطرح است که آقای کززی چرا چنین مسأله‌ی را در شرایطی مطرح می‌کند که چند ماه معدود به انتخابات مانده است؟ وقتی ایالات متحده در این همه سال شرایط آقای کززی را نتوانسته برآورده سازد، آیا تا یک ماه دیگر برآورده می‌تواند؟! بی‌تردید که پاسخ منفی است، اما باید دید که رییس جمهور چه نیتی از طرح این موضوع در آستانه انتخابات دارد. گمان می‌رود که آقای کززی با این اظهارات می‌خواهد بگوید که اگر ایالات متحده اراده کند، هنوز هم فرصت است تا در برابر خواسته‌های وی، امضای پیمان امنیتی را به‌دست آورد.

بر همه‌گان معلوم است که امضای پیمان امنیتی، شرایط معین خود را دارد؛ چنان‌که باید نظر مردم در این باره گرفته شود، ضمانت‌های اجرایی ایالات متحده روشن باشد، حکومت جدید و متعهدی روی کار آید و... که در حال حاضر هیچ یک از این شرایط مهیا نیست. بی‌تردید که آماده‌سازی این شرایط برای ایالات متحده نیز سخت می‌نماید و ایالات متحده مایل است که امضای این پیمان به‌ساده‌گی صورت گیرد. بر فرض اگر حکومت متعهدی پس از کززی روی کار آید، دشواری فرا راه این هدف ایالات متحده حتمی است. بنابراین، اشاره آقای کززی به این نکته، نوعی به معامله طلبیدن است، آن‌هم با ادبیات عوام‌فریبانه‌ی که می‌نماید او کاملاً برحق است. اگر آقای کززی واقعاً چنین امری را آرزو دارد، پس نباید هیچ حرفی در این باره بزند. او باید اجازه دهد که حکومت جدید در مورد پیمان امنیتی تصمیم بگیرد.

آگاهان به این باور اند که هر گونه تصمیم درباره پیمان امنیتی در این برهه، نوعی معامله انتخاباتی است که آقای کززی آن را از ماه‌ها پیش مد نظر داشته است. ایالات متحده نیز بی‌میل نیست که این پیمان را با هزینه کم‌تری با دولت آقای کززی به امضا برساند که این خود می‌تواند سرنوشت انتخابات را نیز تعیین کند. با آن‌که آقای کززی در سخنرانی دیروز خود از برگزاری انتخابات با قاطعیت یاد کرده است، اما اشاره او به امضای پیمان امنیتی، حاکی از آن است که: اگر این پیمان با ایالات متحده در دوره حکومت وی به امضا برسد، آن‌گاه اگر انتخابات هم برگزار گردد، بدون شک یک انتخابات مهندسی‌شده و نمایشی خواهد بود.

اتفاق بیافتد، این فرضیه بیشتر حقیقت خواهد یافت که طالبان اگر دشمنان این ملت بوده‌اند و اگر مردم ما از آن‌ها به تلخی یاد می‌کنند، اما برای کسانی چون انگلیس، هیچ کسی امین‌تر از طالبان برای نگاه داشتن افغانستان در وضعیت مطلوبی که آن‌ها می‌خواهند، وجود ندارد؛ از این‌رو به نظر می‌رسد جبهه اپوزیسیون و همه کسانی که خواهان تغییر نظام و رقم خوردن یک حادثه تاریخی در این کشور به نفع ملت هستند، با موج کلان و قدرت‌مند دیگری به جز دولت و کارشکنی‌های احتمالی‌اش در انتخابات بعدی مواجه هستند و آن موج هم موج طالب‌دوستان عضو در جامعه بین‌المللی هستند که به نوعی خود تغذیه‌کننده و مولد پدیده‌هایی از این دست بوده‌اند. زیرا در غیر این صورت، چه نیازی است که طالبان اولاً

منافع ملی‌مان رقم خواهد زد یا از انتخابات، یک کمیدی مبتذل خواهند ساخت که نتیجه را خود می‌خواهند با مهندسی انتخابات از دل صندوق‌های رأی به‌در آورند؟

اگر واقعاً این انتخابات از مردم است و شهروندان ما تصمیم‌گیرنده‌گان اصلی در این عرصه‌اند، خوب بود کسانی چون سفیر انگلیس و همفکرانش بر این نکته تأکید می‌کردند که صلاحیت طالبان برای نامزد شدن و اجازه ورود به فضای انتخاباتی یافتن را فقط مردم افغانستان هستند که باید صادر کنند نه هیچ کس دیگر. اما این‌طور که به نظر می‌آید، با بازار گرمی‌هایی از این دست، نه تنها صلاحیت طالبان را برای ورود به میدان انتخابات، پیش‌فرض قضیه و حل‌شده دانسته‌اند، که دورنمای امیدوارکننده‌تری را پیش روی

اگر انتخابات آتی بخواهد به عنوان آب مقدس و تطهیرکننده‌ی عمل کند که

نامشروع دیروز را مشروعیت بخشد، آیا به نظر نمی‌رسد که این خود تلاشی

برای پاک کردن صورت مسأله است و بحران و مشکل به جای خود باقی خواهد

ماند و آب از آب تکان نخواهد خورد و اگر هم بخورد، در جهت طوفانی‌تر شدن و

بحرانی‌تر شدن اوضاع افغانستان خواهد بود؟!

حق اشتراک در انتخابات را به عنوان نامزد تصدی عالی‌ترین پست اجرایی کشور داشته باشند و بعد به پیروزی آن‌ها فکر شود و برای تحقق آن، برنامه ریخته شده و اجرا گردد؟

اگر انتخابات آتی بخواهد به عنوان آب مقدس و تطهیرکننده‌ی عمل کند که نامشروع دیروز را مشروعیت بخشد، آیا به نظر نمی‌رسد که این خود تلاشی برای پاک کردن صورت مسأله است و بحران و مشکل به جای خود باقی خواهد ماند و آب از آب تکان نخواهد خورد و اگر هم بخورد، در جهت طوفانی‌تر شدن و بحرانی‌تر شدن اوضاع افغانستان خواهد بود؟!

طالبان قرار داده‌اند و آن همانا شایسته‌گی و صلاحیت تصدی ریاست‌جمهوری و زعامت کشور است!! عجب از این سیاست رنگ‌رنگ و نغم‌محور این بزرگوارانی که دیروز آمده بودند بنیاد طالبان را براندازند، اما امروز بعد از بیش از یک دهه آزمایش و رزمایش، به این نتیجه رسیده‌اند که برای رفتن از افغانستان و بساط خود را در جایی دیگر گسترده، هیچ کسی امین‌تر از طالبان دست‌پرورده خودشان وجود ندارد که افغانستان را بتوان به آن‌ها سپرد!!

به نظر می‌رسد که آرزوی پیروزی برای طالبان، غیرممکن است که بدون همکاری برای رسیدن به این پیروزی باشد و اگر این

عبدالله گل:

شورای امنیت به ترکیه گوش دهد



رئیس جمهوری ترکیه اعلام کرد، شورای امنیت سازمان ملل که احتمالاً به زودی درباره قطعنامه مربوط به انهدام تسلیحات شیمیایی سوریه به بحث می‌نشیند، باید با کمال دقت به صحبت‌های آنکارا گوش دهد.

عبدالله گل، رئیس جمهوری ترکیه همزمان با نشست احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه این کشور با هم‌تاهای امریکایی، فرانسوی و انگلیسی خود در پاریس گفت: ما عضوی از شورای امنیت و عضو دائمی آن نیستیم. اما از آنجایی که ما همسایه سوریه هستیم هر آنچه که در این کشور رخ دهد بر ما نیز تاثیر می‌گذارد. در نتیجه شورای امنیت سازمان ملل باید به صورت جدی به حرف‌های ما نیز گوش دهد.

پس از مذاکرات سه جانبه در پاریس، وزرای امور خارجه امریکا، فرانسه و انگلیس خواستار صدور قطعنامه سازمان ملل شدند که سوریه را به تحویل و انهدام سلاح‌های شیمیایی ملزم سازد. این در حالی است که روسیه هشدار داده که اگر بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه از این قطعنامه پیروی نکند، با عواقب شدیدی روبرو خواهد شد.

خروج سلاح‌های شیمیایی برای پایان جنگ سوریه کافی نیست و ترکیه خواستار اقدامات دیگری برای پایان این درگیری در سوریه شده است. اگر سوریه از توافقنامه ژنو پیروی نکند، آنکارا خواستار تحریم‌هایی با قید و شرط شده است.

عبدالله گل گفت، ترکیه به عنوان یکی از همسایگان سوریه از توافق صورت گرفته میان روسیه و امریکا برای انهدام ۱۰۰۰ تن تسلیحات شیمیایی این کشور استقبال می‌کند.

وی به خبرنگاران گفت: از یک سو اقدامات جدی و قاطعانه باید برای پاکسازی تسلیحات شیمیایی سوریه انجام شود و از سوی دیگر تصمیمات سیاسی جدی باید برای حل مشکل اصلی در سوریه صورت بگیرد.

گل ادامه داد: ترکیه از این تصمیم برای تحویل و انهدام سلاح‌های سوریه بسیار خوشحال شده و از آن حمایت می‌کند اما مساله سلاح‌های شیمیایی سوریه تنها یکی از مشکلات این کشور است. اما اگر سلاح‌های شیمیایی به طور کامل تحویل داده نشود، باز هم مشکلات وجود خواهد داشت. جهان باید نسبت به این مساله هوشیار باشد. من از اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت می‌خواهم که به دقت به نگرانی‌های ترکیه گوش دهند.

رئیس جمهوری ترکیه هفته آتی در مجمع عمومی سازمان ملل حضور خواهد یافت و مذاکراتی دوجانبه با هم‌تایان خود از کشورهای مختلف برگزار خواهد کرد.

مجمع عمومی سازمان ملل شاهد نشست‌های مهمی در مورد سوریه خواهد بود و در آنجا کشورهای مختلف برای مذاکره درباره تحولات ایجاد شده در سوریه به دنبال توافقنامه ژنو مذاکره خواهند کرد. جان کری، وزیر امور خارجه امریکا و سرگئی لاوروف، همتای روسی خود نیز قرار است برای پیشبرد توافقنامه به دست آمده خود در ژنو در تاریخ ۲۸ سپتمبر در نیویورک دیدار کنند.

نواز شریف با رئیس جمهوری ترکیه دیدار و گفت و گو کرد

نواز شریف نخست وزیر پاکستان روز سه شنبه در انقره با عبدالله گل رئیس جمهوری ترکیه دیدار و گفت و گو کرد.

نواز شریف به دعوت رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه روز دوشنبه در راس هیات بلند پایه وارد انقره شد.

عبدالله گل در این دیدار از سفر شریف به انقره که به گفته او دومین دیدار خارجی نخست وزیر پاکستان بعد از تصدی این پست است، ابراز خرسندی و روابط ترکیه و پاکستان را در سطح عالی توصیف کرد.

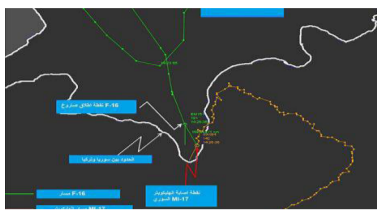
رئیس جمهوری ترکیه با یادآوری اینکه شریف سیاستمدار با تجربه بی است و برای بار سوم عهده دار نخست وزیری پاکستان شده است، گفت: انتخابات ماه می در پاکستان که با بیشترین مشارکت رای دهندگان برگزار شد، از نظر گذار به دموکراسی در پاکستان حایز اهمیت زیادی است.

رئیس جمهوری ترکیه گفت: این وضعیت، سطح دموکراسی در پاکستان را نشان داده و منبع الهامی برای جهان اسلام است و ترکیه امیدوار است که در سایه تجربه نواز شریف، پاکستان شاهد توسعه و رفاه بیشتری شود.

عبدالله گل در این دیدار به پاس خدمات وی برای توسعه مناسبات دوکشور، نشان جمهوریت به نواز شریف اعطا کرد. در مراسم اعطای نشان جمهوریت به شریف، اردوغان و دیگر مقامات بلندپایه ترکیه نیز شرکت کردند.

دمشق:

انقره با سرنگونی بالگرد سوریه اوضاع را متشنج کرد



به دنبال اقدام ترکیه در ساقط کردن یک بالگرد نظامی سوریه، ارتش سوریه اعلام کرد که این بالگرد به طور اشتباه وارد حریم هوایی ترکیه شده بود و ترکیه در هدف گرفتن این بالگرد شتاب کرده است.

به گزارش شبکه خبری الجزیره، فرمانده کل ارتش و نیروهای مسلح سوریه در بیانیه‌یی در واکنش به این اقدام ترکیه اعلام کرد: دولت ترکیه یک بالگرد نظامی متعلق به سوریه را که ظهر روز دوشنبه در حال انجام عملیات نظارتی بر ورود گروه‌های تروریستی از مرزهای ترکیه به لاذقیه بود، پس از آنکه اشتباها وارد حریم هوایی ترکیه شد به سرعت هدف قرار داد. در این بیانیه آمده است: پس از بررسی‌های دقیق مشخص شد که این بالگرد اشتباها وارد حریم هوایی ترکیه شده است و مسافت بسیار کمی را در حریم هوایی ترکیه طی کرده بود و بلافاصله پس از دریافت دستور از طرف سوریه حریم هوایی ترکیه را به مقصد سوریه ترک کرد اما بلافاصله پس از اقدام به خروج از ترکیه نیروی هوایی این کشور مستقیماً بالگرد مذکور را هدف قرار داد تا این بالگرد در اراضی داخلی سوریه سقوط کند.

فرمانده ارتش سوریه در ادامه افزود: واکنش سریع دولت ترکیه به ویژه با توجه به اینکه بالگرد سوری در راه بازگشت به سوریه بود و هیچ عملیات جنگی را انجام نداده بود دلیلی بر اهداف و نیات واقعی دولت رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه نسبت به سوریه است و نشان می‌دهد که اردوغان تلاش می‌کند فضای روابط دو کشور را تیره کند.

وی ادامه داد: دولت انقره با سرنگونی بالگرد سوریه اوضاع را متشنج کرد. پیش از این معاون نخست‌وزیر ترکیه به خبرنگاران گفته بود که یک بالگرد سوری از نوع ام آی ۱۷ راس ساعت ۱۴:۲۰ دقیقه روز دوشنبه وارد حریم هوایی ترکیه شده است.

وی گفت: این بالگرد در راس ۱۴:۲۵ دقیقه و پس از شلیک موشکی از یکی از پایگاه‌های ترکیه در اراضی سوریه سقوط کرد.

احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه نیز اعلام کرد که کشورش این مساله را به شورای امنیت و ناتو با جزئیات کامل ابلاغ خواهد کرد.

خبرگزاری آناتولی ترکیه به نقل از وی گزارش داد: هیچ کس از این به بعد جرات نخواهد کرد مرزها یا حریم ترکیه را نقض کند و آنکار تمامی تدابیر و اقدامات لازم برای تحقیق در خصوص این حادثه را اتخاذ خواهد کرد.

اختلاف نظر روسیه و فرانسه در مورد قطعنامه شورای امنیت درباره سوریه



وزرای امور خارجه روسیه و فرانسه در پی دیدار و مذاکره روز (سه شنبه ۱۷ سپتمبر) در مسکو، گفته اند که هر دو کشور در مورد ضرورت توقف سرکوب و خونریزی در سوریه و نابودی تسلیحات شیمیایی آن کشور اتفاق نظر دارند.

اما به گفته سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، دو کشور دریا نحوه دستیابی به این اهداف دیدگاه مشترکی ندارند.

روسیه همچنان معتقد است که حمله شیمیایی به حومه دمشق در ۲۱ اگست اقدامی از سوی نیروهای شورشی مخالف حکومت سوریه بوده که با هدف فراهم آوردن زمینه مداخله خارجی در این کشور صورت گرفت.

اما در مقابل لوران فابیوس، وزیر امور خارجه فرانسه گفته است که گزارش روز گذشته سازمان ملل تردیدی باقی نمی‌گذارد که رژیم بشار اسد مسوول حمله شیمیایی است. آقای لاوروف در پایان این مذاکرات گفت که هر گونه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در مورد کنترل گرفتن تسلیحات شیمیایی سوریه نباید با تهدید به اقدام نظامی همراه باشد.

این در حالی است که فرانسه تلاش می‌کند که روسیه را به حمایت از چنین قطعنامه بی‌ترغیب کند.

احتمال اعزام کارشناسان تسلیحاتی بریتانیا

ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه بریتانیا تمایل این کشور را به اعزام کارشناسان تسلیحاتی به سوریه برای کمک به نابودی ذخایر تسلیحات شیمیایی این کشور ابراز کرده است. آقای هیگ گفته است که دولت بریتانیا به عنوان بخشی از یک گروه بین‌المللی تمایل به اعزام کارشناس دارد، اما در عین حال گفت که از نیروهای بریتانیایی برای حفاظت از این تیم استفاده نخواهد شد.

وزیر امور خارجه بریتانیا افزود ما نیروهای بریتانیا را تحت هیچ شرایطی به سوریه اعزام نمی‌کنیم.

روز گذشته بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل رسماً تأیید کردند که در جریان حمله ماه گذشته به حومه دمشق از گاز سارین علیه شهروندان غیرنظامی استفاده شده است.

بلومبرگ

توافق جدید سوریه؛ پیروزی بزرگ برای اسد

دادن استفاده از تسلیحات شیمیایی دست یافته است و این امر در نوع خود قابل توجه است.

در نهایت این پیروزی محدود برای غرب به دو دلیل نوعی شکست راهبردی و اخلاقی نیز به شمار می‌آید.

هم‌پیمانان غرب در خاورمیانه با مشاهده این که امریکا به برکنار کردن اسد متعهد می‌شود و سپس به تعهد خود عمل نمی‌کند، نسبت به اراده و دوستی واشنگتن مردود خواهند شد و بدین ترتیب سیاست‌های خود را تا حدودی تغییر خواهند داد که این امر می‌تواند برای امریکا عواقبی داشته باشد.



این توافق احتمالاً عملی نخواهد شد. در هر حال کارشناسان خلع سلاح می‌گویند، در صورتی که این فرآیند به درستی پیگیری شود، احتمالاً چندین سال به طول خواهد انجامید اما این کارشناسان دقیقاً نمی‌دانند این فرآیند چقدر طول خواهد کشید زیرا تاکنون موردی این چنینی وجود نداشته که فردی بخواهد مقدار بسیاری تسلیحات شیمیایی را در یک میدان نبرد کشف کند و از میان ببرد؛ به ویژه این که در این میدان نبرد پای القاعده و حزب‌الله نیز در میان است.

با این حال، رئیس جمهوری امریکا اکنون قوانین بین‌الملل حاکم بر استفاده از تسلیحات شیمیایی را مورد تأکید قرار داده و کاری را کرده که مردم امریکا می‌گویند خواستار آن هستند: وارد نشدن به یک درگیری. در این شرایط شاید او به اندازه اسد و پوتین برنده نباشد اما در مقایسه با کنگره امریکا می‌توان او را به چرچیل شبیه دانست.

اما بازنده‌گان حقیقی در این ماجرا چه کسانی هستند؟ پاسخ به این پرسش آسان است: مردم سوریه. آنها همچنان در خانه‌هایشان، بازارهایشان، خیابان‌ها، بیمارستان‌ها و مساجدشان مورد تجاوز، شکنجه و قصابی‌شدن قرار خواهند گرفت و مادامی که به شیوه‌های متعارف کشته می‌شوند، هیچ کس به مرگشان کوچکترین توجهی نخواهد کرد.

امروزی شود و به بیان دیگر ممکن است شرایط برای فعالیت بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل متحد دشوارتر شود. امریکا اکنون به این نیاز دارد که اسد برای مدتی در راس امور دمشق باشد. در هر حال اسد فردی است که دستیارانش از محل تسلیحات شیمیایی اطلاع دارند.

این توافق به دلایل تقریباً مبرهنی برای پوتین نیز یک پیروزی به شمار می‌آید: او رهبر دومین کشور صاحب قدرت است که خود به عنوان بازیگر جدیدی در عرصه سیاسی خاورمیانه وارد میدان شده است. او باعث شرمساری یک رئیس جمهوری امریکا شده و دست کم از منظر برخی افراد زودباور به عنوان فردی صلح طلب شناخته شده است، در حالی که در واقع وی فردی خودکامه است.

حال که این توافق برای اسد و پوتین پیروزی به شمار می‌آید، چرا باید برای او با ما نیز پیروزی لحاظ شود؟ از نظر سیاسی این توافق برای او با ما یک پیروزی است زیرا او دیگر مجبور به آغاز اقدامی نظامی نیست که به طور مشخص از حمایت مردمی برخوردار نبود. از دیدگاهی گسترده‌تر این توافق برای او با ما یک پیروزی است زیرا او با تهدید به حمله دولت سوریه را مجبور کرد که اعلام کند سلاح‌های شیمیایی در اختیار دارد و این سلاح‌ها را کنار خواهد گذاشت. در این صورت او با ما به هدف خود مبنی بر تابو نشان

چند ماه پیش دولت او با ما حداقل در قالب لفاظی‌های خود بشار اسد را مورد هدف قرار می‌دهد و در پی برکنار کردن وی بود اما در حال حاضر امریکا در اقدامی متفاوت اسد را شریک خود کرده است.

امریکا و سوریه اکنون دیگر با یکدیگر در مورد یک طرح نامحتمل همکاری خواهند کرد: رها کردن کشوری که شاهد درگیری داخلی است از تسلیحات شیمیایی.

توافقی که چند روز پیش برای خلع سلاح شیمیایی سوریه به عمل آمده، پیروزی چشمگیری برای دولت اسد به شمار می‌آید. این توافق همچنین پیروزی بزرگی است برای محافظ دیپلماتیک و تهیه کننده تسلیحات دولت بشار اسد؛ یعنی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه.

البته این بدین معنا نیست که این توافق پیروزی موقت و از نظر اخلاقی مهمی برای باراک اوباما، رئیس جمهوری امریکا نیست.

با این حال نخست به اسد می‌پردازیم. چرا این توافق برای رئیس جمهوری سوریه یک پیروزی به شمار می‌رود؟ به دو دلیل:

۱. تا زمانی که اسد از تسلیحات شیمیایی علیه مردم خود استفاده نکند از گزند مداخله نظامی غرب در امان خواهد بود. حدود ۹۸ درصد از افرادی که تاکنون در جنگ داخلی سوریه کشته شده‌اند جان خود را به خاطر حملات شیمیایی از دست نداده‌اند.

این تصور دور از ذهن نیست که حکومت سوریه میزان حملات خود را علیه شورشیان افزایش دهد زیرا اکنون می‌داند که می‌تواند این کار را بدون آن که مجازات شود، انجام دهد. به نظر می‌رسد اوباما در آینده «خط قرمز» دیگری مشخص نخواهد کرد.

۲. اسد با هم پیاله شدن با روسیه و غرب در فرآیند خلع سلاح که تا سال ۲۰۱۴ به طول خواهد انجامید، (و احتمالاً حتی اگر با حسن نیت پیگیری شود، سال‌ها طول خواهد کشید) به ادامه حضور خود قطعیت بخشیده است. دولت بعد از اسد لزوماً یک طرف این توافق نخواهد بود و حتی ممکن است در این زمینه هیچ اقدامی نکند. سوریه پس از اسد ممکن است بسیار پرتفرقه‌تر و پرهرج ومرج‌تر از حالت

بخش نخست

اخلاق اسلامی و مسأله نسبیت

آزاد جعفری

اخلاق از منظر دین اسلام، خاستگاهی متفاوت با خاستگاه نظام‌های ارزشی اخلاقی در دیگر ایدیولوژی‌ها و مکاتب فکری بشر دارد. نیک و بد در سپهر اندیشه‌گی اسلام، صرفاً قراردادی اجتماعی برای مانایی ساختار جامعه و آزادی افراد در کشاکش تنازع آدمیان بر سر بقا نیست، چنان‌که کرانه‌اش نیز محدود به حریم خصوصی انسان‌ها نبوده و اتفاقاً بیش از همه، به همین حریم خصوصی آدمیان و نیات پنهان و اغراض نهفته در وجود ایشان ناظر است.

کبر، کینه و حسد اگر در نظام اخلاقی دین مبین اسلام، ممنوع دانسته شده‌اند، نه از آن‌روست که نتایج ناشایست در جامعه بشری بر جای گذاشته و باعث اذیت و آزار دیگران می‌شود، بلکه از آن‌روست که

صرف نظر از اختلاف نظرهایی که میان علمای اخلاق در مسأله ریشه اخلاقیات در اسلام وجود دارد، آن نوع نگرشی که وجه تمایز اخلاق اسلامی از دیگر نظام‌های اخلاقی به شمار می‌رود، عبارت است از قول به این‌که از نگاه اسلام، اعمال دارای حسن و قبح ذاتی است و اگر در شرایطی، عمل دارای قبح ذاتی بر عمل دارای حسن ذاتی اولویت پیدا می‌کند، نه از آن‌روست که قبحی تبدیل به حسن یا حسنی تبدیل به قبح شده باشد، بلکه از باب تراحم میان دو حسن یا دو قبح است که بنا به قاعده اولویت اهم بر مهم، لازم است میان خوب و خوب‌تر، خوب‌تر را و از میان بد و بدتر، بد را انتخاب کنیم. به عنوان نمونه، در خصوص دروغ مصلحتی که در اسلام جایز شمرده شده، باید دانست که این به معنای نسبیت اخلاق در اسلام نیست و منظور از جواز دروغ مصلحتی، از

حسن بزرگ‌تری که نجات جان یک انسان است، دومی را اختیار نمود. بنا به آنچه گذشت، می‌توان گفت در نظام اخلاقی اسلام، اعمال گرچه همیشه تنها به یکی از دو وصف حسن یا قبح متصف است، اما این امکان هرگز منتفی نیست که میان اعمال نیک یا بد در شرایط زمانی به‌خصوصی تراحم ایجاد شود و شخص مکلف ناچار به اختیار نمودن یکی از دو نیک یا دو بد باشد. البته انتخاب یکی از دو عمل اخلاقی نیک است و در این‌جا نمی‌توان این اشکال را وارد دانست که عمل قبیح، اساساً نباید متعلق انتخاب انسان مومن قرار بگیرد. در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که قاعده تراحم به مثابه استثنایی بر وجوب عمل به محاسن اخلاقی و اجتناب از قبايح اخلاقی، از مبنای فاصله زیادی با قول به نسبیت اخلاق دارد



بخش نخست

استعاره‌درمانی؛

راهی متفاوت برای مداوای مشکلات روحی

داکتر ناصر همتی

ادبیات در همه گونه‌هایش، شناسنامه فرهنگی و آیین آرمان‌ها، اندیشه‌ها و باورهای پارسی‌زبانان است. تنیده‌گی تمثیل، شعر، قصه و استعاره در زبان محاوره‌بی ما، آن‌چنان است که در گفت‌وگوهای ساده عامی فارسی هم می‌توان رد پای اسطوره‌ها، قصص تاریخی، ضرب‌المثل‌ها و نمونه‌های دیگر ادبی را یافت. صرف‌نظر از مولفه‌های متعدد فرهنگی که با اصطلاح کلی «فرهنگ شرقی» می‌شناسیم، ذهن آشنا به ادبیات، سرمایه‌بی کمی نظیر و فرصتی گران‌بهاست که در دست‌ان درمان‌گر آشنا به این فرهنگ می‌تواند دست‌مایه تجدید ساختارشناختی و اصلاح اعوجاجات ذهنی باشد و در جهت فراهم‌آوری یک طرح درمانی به کار رود.

در این میان، قصه و تمثیل در اغلب فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری از ابزارهای اصلی تفکر و ارتباط بوده است و قصه‌های کلاسیک به ویژه از آن‌رو که ابتدا و پایان مشخصی دارند (دو مولفه‌بی که تاریخ و زنده‌گی آدمی فاقد آن است) این توان بالقوه را دارند که مفاهیم خاصی را در اذهان آماده یا آماده‌شده ثبت کنند. در ادبیات ما، به‌ویژه در آثار کلاسیک، قصه‌ها و تمثیل‌ها غالباً ساده، سرراست و فاقد پیچیده‌گی‌اند و فهم آن‌ها برای اذهان متوسط، دشوار نیست. گذشته از ادبیات غنی فارسی و گسترده‌گی آن در همه زمینه‌ها، باید گفت دین اسلام و متن مقدس آن قرآن کریم نیز از دلایل آشنایی مردم ما با قصه و کاربردهای آن است. قرآن، سرشار از قصه‌هایی است که به تصریح خود این کتاب، هدفی شناختی و معرفتی را دنبال می‌کند و تغییر باور، اصلاح عقاید و تنبه و تذکر را پی می‌گیرد. این ویژه‌گی البته مختص قرآن نیست و در همه کتب مقدس دیده می‌شود. علاوه بر این، در نزد ما این رویکرد (استفاده از قصه برای تغییر شناخت) در مهم‌ترین آثار ادبی، نمودی ویژه دارد و از این میان، مثنوی معنوی مولانا اثری شاخص به شمار می‌رود.

در دو سه سال اخیر، موضوع تمثیل و اثرات درمانی آن به دلایلی برای نگارنده اهمیت دیگری یافته است که مهم‌ترین آن‌ها نخست، غوغایی است که کتاب کیمیاگر اثر «پاولو کوپیلو» ابتدا در جهان غرب به پا کرد و بعد با ترجمه به ۳۰ زبان دیگر دنیا از جمله زبان فارسی، جهانگیر شد بی‌آن‌که کسی به یاد بیاورد آن‌چه نویسنده به تفصیل و با نوعی داستان‌پردازی مدرن آورده است، نزدیک به هفت قرن پیش در کتاب شریف مثنوی عینا آمده است (مثنوی، دفتر ششم؛ حکایت آن مرد که خواب دید: آن‌چه می‌طلبی از یسار، به مصر وفا شود و... خلاصه آن‌که، یقین کن که در خانه غیرخود، نمی‌باید جست‌ن)؛ و دوم این حکایت پیش از آن‌که منبع آن را بگویم، نخست بازگو می‌کنم و یقین دارم بسیار شنیده‌اید که از جملات قصار فلان عارف یا صوفی است یا شاید هم از جبران خلیل جبران یا دکتر شریعتی و دیگران: «آمده است که موسای پیامبر در مناجاتی به پروردگار خود چنین می‌گوید که خدایا من در کلبه محقرم و در خلوت فقیرانه‌ام چیزی دارم که تو در عرش کبریا بیست نداری! آری! من تو را دارم و تو چون خودی نداری». این حکایت برگرفته از کتاب «روح‌الارواح فی شرح اسماء‌الملك الفتح» است که نویسنده آن «احمد منصور سمعانی» در قرون پنجم و ششم می‌زیسته است. تردید نمی‌توان کرد مثال‌هایی از این دست در ادبیات ما، هم اکنون مضمون‌ساز نویسنده‌گان و شاعران بسیاری در سراسر دنیا است. این مواد اولیه که اغلب از کیفیت بسیار بالا هم برخوردار اند، قابلیت تبدیل شدن به خمیرمایه درمان‌های شناختی را دارند. یکی از بارزترین نمونه‌های موجود برای استعاره و تمثیل، بازهم در مثنوی، قصه «فیل» است اندر خانه تاریک که به زیبایی اختلاف برداشت بین مردم را به دلیل تفاوت در نظرگاه یا به دلیل فقدان بصیرت عمیق و دید گسترده‌تر بیان می‌کند و در نهایت هم می‌گوید:

از نظر گه گفت‌شان شد مختلف
آن یکی «دال» اش لقب داد، آن «الف»
در کف هریک اگر شمعی بُدی
اختلاف از گفت‌شان بیرون شُدی



در نظام اخلاقی اسلام، اعمال گرچه همیشه تنها به یکی از دو وصف

حسن یا قبح متصف است، اما این امکان هرگز منتفی نیست که میان

اعمال نیک یا بد در شرایط زمانی به‌خصوصی تراحم ایجاد شود و

شخص مکلف ناچار به اختیار نمودن یکی از دو نیک یا دو بد باشد.

البته انتخاب یکی از دو بد، روی دیگر سکه انتخاب یکی از دو عمل

اخلاقی نیک است و در این‌جا نمی‌توان این اشکال را وارد دانست که

عمل قبیح، اساساً نباید متعلق انتخاب انسان مومن قرار بگیرد

که در مکاتب اخلاقی جدید، مورد اشاره قرار گرفته است. در نظام‌های اخلاقی قایل به نسبت خیر و شر، مسأله‌بی هم‌چون دروغ مصلحتی، خیر محض تلقی می‌شود و از همین‌جا آشفته‌گی و تضاد در تعیین چهارچوبی خدشه‌ناپذیر از باید‌ها و نباید‌های اخلاقی این گونه نظام‌ها را به سمت مخالفت مطلق با هرگونه اطلاق در مقوله اخلاق سوق می‌دهد و پارادوکس نهفته در همین اعلام موضع نیز، به‌ساده‌گی مورد غفلت واقع می‌شود.

میان رفتن قبح ذاتی دروغ در یک موقعیت زمانی به‌خصوص نیست، بلکه چون اثرات منفی راست‌گویی در آن موقعیت از اثرات مثبت آن بیشتر است، یا اثرات مثبت دروغ‌گویی در آن موقعیت از اثرات منفی آن کمتر است، در این شرایط خاص و ویژه به حکم عقل - و البته شرع - باید میان قبح دروغ‌گویی و قبح بزرگ‌تری که از راست‌گویی حاصل می‌شود (مثل به خطر افتادن جان یک انسان) دروغ را برگزید، یا به بیان دیگر میان حسن راست‌گویی و

لوح پاک‌دل با این رذایل اخلاقی رو به تیره‌گی می‌گذارد و ضمیر وجودی انسان از فطرت الهی که هم‌زاد نخستین آدمی است (کل مولود یولد علی الفطرة) فاصله می‌گیرد و روی به اهریمن نفس و شیطان می‌آورد.

اخلاق در اسلام، نتیجه‌گرایانه صرف نیست، چنان‌که بی‌اعتنا به نتیجه هم نیست. درست است که گفته‌اند ما مأمور به تکلیفیم نه نتیجه، اما معنای این سخن به هیچ‌رو بی‌توجهی به حاصل کار و نتیجه عمل اخلاقی نیست. در عین حال، توجه به نتیجه در منظومه اخلاقی اسلام، آن‌گونه نیست که به نسبیت اخلاق بیانجامد و توسل به هر وسیله‌بی را برای نیل به هدف موجه نماید. این ادعایی غیر قابل اثبات نیست که برآمده از شیفته‌گی و تعصب باشد. آگاهی از چندوچون حسن و قبح اعمال در تفکر اسلامی، به‌خوبی می‌تواند مبین سخنی باشد که در خصوص پیراسته‌گی اخلاق اسلامی از شایبه عمل‌گرا نبودن از یک سو و نسبیت از سوی دیگر، عنوان شد.

شوالیه تاریکی یک فلم پسامدرن نیست، اما می توان آن را یک رمانس پسامدرن نامید. یعنی محصول ذهن خلاق نولان و تلفیق قصه های کمیک با داستان گویی و شخصیت پردازی زمانه حاضر است. بتمن های پیشین (هم چون ساخته های تیم برتون و جوئل شوماخر)، ادای دین کامل به قصه های کمیک بودند و تمام تلاش سازندگان نسخه های قبلی، معطوف بود به خلق عین به عین داستان های الهام گرفته از منبع اصلی.

فلم به جهت بهره گیری از شخصیت پردازی منحصر به فرد آدم های قصه، ارتباطی با ژانر معمول خود و انتظاری که از این نوع ژانر می رود، ندارد. در نسخه های پیشین، همواره با نبرد خیر خوب و شر بد (کاملاً منطبق با الگوی سیاه و سفید) روبه رو بودیم، اما در شوالیه تاریکی، حتا بتمن هم لحظاتی به هیأت سوپه نمادین شر درمی آید و غافل گیری مخاطب را موجب می شود. تلاش نولان برای به مسلخ بردن بتمن و جدل سازش ناپذیرانه او با شخصیت جوکر، فلم را وارد لایه های تحلیلی متنوعی در زمینه خاستگاه داستانی (یعنی رمانس)، منبع اقتباس (کتاب های کمیک) و تعریف مدرن خیر و شر می سازد.

در رمانس، قهرمانی کنار گرفته از اجتماع را داریم. درست شبیه بروس وین عیان یا همان بتمن نهان. قهرمانی نامیرا و شکست ناپذیر که در مقابله با شر، همواره آماده مبارزه است. بتمن بنا به ماهیت انسانی و توانایی های فرانسانی اش، نیاز دارد از حضور در اجتماع خودداری کند و هم چون یک خون آشام، تنها شب هنگام است که از قلمرو خود بیرون می آید و در جستجوی تبهکاران، شهر را دید می زند. بروس وین ظاهری، علی رغم متمول و با نفوذ بودنش، تمامی کارها را به مباشرانش هم چون لوش فاکس و آلفرد سپرده است و خود در خفا، کمپانی خود را مدیریت می کند. به واقع، حضور او کاملاً در سایه است و در انزوایی خودخواسته، حوادث و وقایع پیرامون را به دقت زیر نظر گرفته است.

شخصیت های فلم جدید اما چندان آدم های ساده بی نیستند و درست عکس شخصیت های رمانس، پیچیده گی آنها و چرخش های رفتاری شان است که فلم را رمانسی پسامدرن کرده است. بتمن در لحظه اعتراف گیری از جوکر، محل اختفای ریچل و دنت را جويا می شود و جوکر برای فریب او، محل اختفای آن دو را جابه جا افشا می کند. بتمن برای نجات ریچل می شتابد (در واقع دارد به سمت محل اختفای دنت می رود). قاعدتاً نجات دنت بر نجات ریچل ارجح تر است، چرا که به عقیده حتا خود بتمن، شهر گاتهام

به قهرمانی مانند دنت بیشتر محتاج است تا خود بتمن. دنت به خاطر تلاشش در مقابله با تبهکاری، نزد مردم محبوبیتی تام دارد و بتمن هم معترف به این محبوبیت است. اما در لحظه یی دشوار از زنده گی بتمن، او باید میان نجات ریچل (عشق سابقش) و دنت، یکی را انتخاب کند. جوکر با نیت تماما شر خود، بتمن را بر سر این دو راهی قرار داده است. همان دوراهی معروف انتخاب میان عشق و وظیفه. بتمن در این لحظه شکست سنگینی می خورد و با رسیدن به محل اختفا، متوجه شکست درونی خود می شود. در قاموس بتمن (از نوع رمانس) نیست که در انجام وظیفه، احساساتش را شریک کند. ولی بتمن جدید دست به انتخاب خردگريزانه می زند. نتیجه این که ریچل کشته می شود و دنت، خیر هنوز خوب (که در ادامه همین بخش از فلم به شر تغییر ماهیت

می دهد) زنده می ماند. جوکر موفق می شود با این ترفند، دو شر و تباهی را در هیأت آدم های اصلی فلم تکثیر کند. بتمن تصمیم ناعاقلانه می گیرد و دنت نیز متأثر از مرگ ریچل و اسارت خود، سعی در انتقام گیری از عاملان حواش رخ داده دارد. چرخش شخصیتی دنت، همان پروسه تطور خیر به شر است. پروسه یی کاملاً نوآورانه در زیر عنوان رمانس و ژانر شناخته شده این دست فلم ها. دنت که خود به هاروی دوچهره مشهور است، با سوختن نیمه چپ صورتش، چهره یی دهشت بار و دوگانه می یابد. نیمه خیر که در گذشته بود و نیمه شر که اکنون است. هم چنین به هنگام کشتن مردم بی گناه و تهدیدات جوکر مبنی بر ادامه قتل ها در صورت معرفی نکردن بتمن واقعی، بروس وین مستأصل و سردرگم، از معرفی خود عاجز است و قهرمان رمانس فلمیک،

بازهم متزلزل و شکننده نشان داده می شود. او میان زنده گی نهانی اش، یعنی بتمن شکست ناپذیر و بروس وین ظاهری و متمول در نوسان است. تنوع حواش غیر مترقبه بتمن بودن در مقابل خسته گی تظاهری بروس وین بودن، خود موجب بروز تعارض شدید در او شده است. همین مسأله، شکننده بودن بتمن را در درونش، به خوبی روشن می سازد.

وقایع پیچ پیچ و طاققت فرسای نبرد با تبهکاران و سرسخت ترین آنها یعنی جوکر را به این کشمکش درونی اضافه کنید تا بتمن جدید را از قضا موجودی زمینی و آسیب پذیر ببینیم که در لحظات دشوار

می شود تا تعاریف مدرنی از شر و خیر را ارایه کند. این تعابیر و مفاهیم مدرن، اخلاقیات و الهیات مدرنی را نیز به دنبال خود، خلق و تعریف می کند.

حوادث فلم چنان درهم پیچیده و لایه لایه اند که فلم در تمام لحظات، در حال چرخش میان آن هاست و مشخصه مهم رمانس، به شکلی توسعه یافته در فلم دیده می شود. به عنوان مثال در لحظات پیش از حمله جوکر به میهمانی بروس وین، هم زمان ترور قاضی، حفاظت از دفتر رییس پولیس و خواستگاری دنت از ریچل را به شکلی درهم تنیده و متوالی دنبال می کنیم. و یا در لحظات اعتراف گیری بتمن از جوکر، دایم



یک رمانس پسامدرن:

شوالیه تاریکی

اثر کریستوفر نولان

حوادث فلم چنان درهم پیچیده و لایه لایه اند که فلم در تمام لحظات، در حال چرخش میان آن هاست و مشخصه مهم رمانس، به شکلی توسعه یافته در فلم دیده می شود. به عنوان مثال در لحظات پیش از حمله جوکر به میهمانی بروس وین، هم زمان ترور قاضی، حفاظت از دفتر رییس پولیس و خواستگاری دنت از ریچل را به شکلی درهم تنیده و متوالی دنبال می کنیم.

و یا در لحظات اعتراف گیری بتمن از جوکر، دایم کات زده می شود به مکان های مجزای اختفای ریچل و دنت، و باز در ادامه همان دقیق و لحظاتی که بتمن برای نجات ریچل رفته و پولیس ها نیز برای نجات دنت شتافته اند، کات زده می شود به بازداشتگاه و کشتاری که جوکر برای فرار خود در آن جا به راه انداخته است. ساختار روایی فلم نامه، کاملاً منطبق با فرمی است که از رمانس انتظار می رود. در همین ساختار متنوع است که زمان فلم علی رغم زیاد بودنش، اصلاً به چشم نمی آید و هنرمندی برادران نولان در نوشتن چنین قصه و فلم نامه یی نمایان می شود

کات زده می شود به مکان های مجزای اختفای ریچل و دنت، و باز در ادامه همان دقیق و لحظاتی که بتمن برای نجات ریچل رفته و پولیس ها نیز برای نجات دنت شتافته اند، کات زده می شود به بازداشتگاه و کشتاری که جوکر برای فرار خود در آن جا به راه انداخته است. ساختار روایی فلم نامه، کاملاً منطبق با فرمی است که از رمانس انتظار می رود. در همین ساختار متنوع است که زمان فلم علی رغم زیاد بودنش، اصلاً به چشم نمی آید و هنرمندی برادران نولان در نوشتن چنین قصه و فلم نامه یی نمایان می شود.

فرم جست و جویی فلم، از نوع جابه جایی قهرمان در طول قصه نیست (هرچند در این فلم بتمن برای دست گیری لائو به هنگ کنگ می رود) و همان

تصمیم اشتباه می گیرد و یا با بهره جستن از نیروهای منفی و شر، می کوشد با خود شر مقابله کند. اشاره ام به بخشی است که با بهره گیری از تکنالوژی پیشرفته ارتباطی، فاکس را وادار به استراق سمع تمامی اهالی گاتهام می کند تا بتواند رد جوکر را بیابد. فاکس این عمل را غیراخلاقی و خطرناک می داند، اما به اجبار بتمن تن به این کار می دهد. در واقع بتمن با بهره گیری از نیروهایی بدخواهانه، به دنبال کارکردی خیرخواهانه است، اما باز توجیهی در کار نیست. این خود یک شکست و پذیرش بهره جستن از شر است. به نوعی او در برابر نیروی شر سر تسلیم فرود می آورد. شری که از قضا با دانش و تکنالوژی موسسه خود او اختراع شده است. بنابراین اصول اخلاقی توسط قهرمان اخلاق گرای داستان زیر پا گذاشته

یک مورد جابه جایی قهرمان نیز تنها به اقتضای سیوژت (طرح و توطیه) است نه فیولا (داستان). در داستان شوالیه تاریکی، جست و جو در درون بتمن صورت می گیرد. وظیفه داستان، شناساندن بتمن آسیب پذیر امروزی به خود او و مای بیننده است. یعنی کشمکش یا همان آگون (Agon)، درون شخصیت بتمن اتفاق می افتد. در این فرم خاص، بتمن از موقعیت نیروی همواره خیر، به موقعیت جدید شر سفر می کند و در طول این سفر پرمخاطره است که تا سر حد مرگ (Pathos) پیش می رود اما زنده می ماند و حتا ضد قهرمان را نیز از خطر مرگ می رهااند (در لحظات پایانی مانع سقوط جوکر از ارتفاع می شود و او را به پولیس تحویل می دهد). در واقع بخش اعظم تلاش جوکر این است که بتمن او را به قتل برساند و دست به گناهی بزرگ بزند، اما چون بتمن در این سفر درونی خود را شناخته، در این لحظه مهم به اصل خیرخواهانه خود بازمی گردد (هرچند هنگام درگیری قبلی آنها، بتمن با موترسایکل به سمت او می رود ولی برای زیر نگرفتن او، موترسایکل را واژگون می کند. اما آن ممانعت و خودداری بتمن از کشتن جوکر، با موقعیت پایانی فلم قابل قیاس نیست، چرا که در آن لحظات او هنوز در سفر مخاطره آمیز درون خود بود و عصبانیت خاصی که می توانست دست او را به خون جوکر آلوده کند، در چهره اش آشکارا دیده می شد. در واقع تردیدی بزرگ در رفتار او وجود داشت که در لحظه پایانی فلم جای خود را به یقین و ایمان به خیر و خوبی داده بود. پس با اعتقادی راسخ مانع سقوط جوکر شد). جوکر بعد از نجات یافتنش از سقوط و مرگ (در وضعیتی معلق میان زمین و آسمان) به بتمن می گوید:

«تو نمی توانستی بگذاری بروم. نه؟... این اتفاق وقتی می افتد که یک نیروی غیر قابل کنترل و یک هدف تغییرناپذیر مقابل هم قرار می گیرند... تو... واقعاً... فسادناپذیر هستی، مگر نه؟... من را به خاطر این که چند لحظه اسیر خودبینی شدی، نخواهی کشت و من هم تو را نمی کشم، چون خیلی سرگرم کننده هستی! فکر می کنم سرنوشت این است که من و تو تا ابد این کار را انجام بدهیم...»

بنابراین در این بخش از پاتوس نیز با نوآوری نولان مواجه ایم. نه تنها قهرمان نمی میرد، بلکه در الهیات جدید و اخلاقیات مدرن فلم، ضد قهرمان نیز توسط خیر نجات یافته و زنده می ماند تا به سزای اعمالش برسد.

درباره دیگر نوآوری های نولان در پرداخت رمانس پسامدرنش، می توان به مواردی خاص اشاره کرد. نولان در فلم پیشین یعنی بتمن می آغازد، غبار اصل و نسب رازآمیز را از چهره بتمن می زداید و با تعریف

پیشینه او و چه گونه گی شکل گرفتن شخصیت بتمن، تاریخی شفاف از زنده گی گذشته بتمن ارایه می دهد (درست عکس عمل رمانس). در فلم کنونی نیز ما را با بتمنی زمینی و متزلزل روبه رو می سازد که سفری سخت در جهت ثبات شخصیتش را تجربه می کند و آن گونه که از عنوان فلم بعدی او برمی آید، بتمن برمی خیزد (با زیر عنوان پایان افسانه)، باید پیش بینی بتمنی را کرد که از اسطوره و جهان رمانس بسیار فاصله گرفته است. گویی تلاش بزرگ نولان در سه گانه اش، معطوف به اسطوره زدایی از شخصیت بتمن و نزدیک کردن او به موقعیت آدم های عادی اما بزرگ (بخوانید قهرمان) است. نباید از یاد برد که در همین فلم نیز به اعمال دنت و گوردون، سوپه یی قهرمانانه داده شده، انگار که عمل قهرمانی که در رمانس تنها مختص قهرمان قصه است، در شوالیه تاریکی به عدد مردان مقاوم و سخت کوش فلم تکثیر شده است.

این گونه است که کشف و بازشناسی قهرمان دگرگون می شود و اعمال قهرمانانه بتمن شکلی مدرن به خود می گیرد. جایی که بتمن، در انتهای فلم کنونی، تبلیغ اسطوره جدید و مردمی دنت را به گوردون پیشنهاد می دهد و خود به دنیای تاریک پیشینش بازمی گردد. دنیایی نه چندان رازآلود اما تیره که قهرمان رمانس پسامدرن به آن جا تعلق دارد. سرزمین شوالیه تاریکی.

اشاره: بخشی از تفسیر خود و هم چنین تعبیر بتمن زمینی را از یادداشت مسعود حقیقت ثابت بر فلم شوالیه تاریکی (فصلنامه سینما و ادبیات، شماره ۳۱ زمستان ۹۰) وام گرفته ام.



دخالت‌های آشکار آقای کرزی در انتخابات آینده

احمد عمران

رییس‌جمهور کرزی خلاف قانون و وعده‌هایی که سپرده بود، به‌شدت در حال دخالت در مسایل انتخاباتی است. شاید روشن‌ترین نوع این دخالت‌ها، در بشکک پایتخت قرغیزستان در جریان کنفرانس کشورهای عضو شانگهای خود را نشان داد. در حاشیهٔ کنفرانس کشورهای عضو شانگهای، رییس‌جمهور کرزی در دیداری با همتای روسی خود ولادیمیر پوتین، زلمی رسول وزیر خارجهٔ کشور را به عنوان نامزد انتخابات آینده معرفی کرد. این موضوع واکنش‌هایی را برانگیخت و در همین حال سبب ایجاد پرسش‌هایی شد؛ پرسش‌هایی از این دست که چرا آقای کرزی، زلمی رسول وزیر خارجه را به عنوان نامزد انتخابات به رییس‌جمهوری روسیه معرفی کرد؟ آیا معرفی آقای رسول به عنوان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری، به معنای حمایت از او در این انتخابات است؟ چرا آقای کرزی، زلمی رسول را به عنوان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری به رییس‌جمهوری روسیه معرفی کرد و نه فرد و یا رییس‌جمهوری دیگری؟ آیا در این مورد قصد و هدف خاصی را دنبال می‌کرد؟

این پرسش‌ها در حال حاضر از سوی آقای کرزی پاسخ داده نشده، ولی بدون شک نوع برخورد آقای کرزی با مسأله می‌تواند دخالت آشکار او را در مسایل انتخاباتی نشان دهد. آقای کرزی خلاف آنچه که گفته است، نسبت به انتخابات آینده نمی‌تواند بی‌طرف باقی بماند. او پیش از آن‌که بحث‌های انتخاباتی در کشور داغ شود، نخستین فردی بود که افکار عمومی را به این سمت جلب کرد. آقای کرزی در یک سخنرانی کم‌سابقه، از به‌وجود آمدن اجماع انتخاباتی سخن گفت و خطاب به مردم افغانستان از آن‌ها خواست که در مورد چند فرد معدود به نتیجه برسند و از تراحم و کثرت نامزدها در انتخابات ریاست‌جمهوری جلوگیری کنند. آقای کرزی برای تحقق این تیوری، از عبدالرب رسول سیاف عضو مجلس نمایندگان و یکی از چهره‌های جهادی نزدیک به خود خواست که روی این طرح کار کند.

در آغاز چنین پنداشته می‌شد که نامزد مورد حمایت آقای کرزی در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری،

آقای سیاف خواهد بود. البته این موضوع بی‌پایه و بنیاد هم نبود و حتا شخص آقای سیاف می‌پنداشت که او فرد مورد حمایت آقای کرزی در انتخابات خواهد بود. به همین دلیل آقای سیاف چانه‌زنی‌هایی را در این خصوص آغاز کرد و حتا گروهی را نیز به‌وجود آورد که در مسایل انتخاباتی، او را کمک و حمایت کنند. ولی بعداً معلوم شد که تلاش‌های آقای سیاف مثر ثمر نبوده و آقای کرزی از او در انتخابات حمایت نخواهد کرد. ولی هنوز نام آقای سیاف به عنوان یکی از نامزدهای احتمالی انتخابات آینده هم‌چنان بر سر زبان‌هاست.

حالا اما نام استاد سیاف به عنوان نامزد مورد حمایت ارگ ریاست‌جمهوری، بیشتر جلب توجه می‌کند. این‌که آقای سیاف می‌خواهد در انتخابات شرکت کند و یا خیر، بحثی شخصی است و بر اساس قوانین نافذۀ کشور، هر فردی که واجد شرایط باشد، می‌تواند در انتخابات خود را نامزد کند. ولی موضوع نگران‌کننده این است که رییس‌جمهوری بخواهد از کسی به گونهٔ علنی حمایت کند و یا از امکانات دولتی به نفع نامزدی مشخص استفاده کند.

استفاده از امکانات دولتی در دو انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری نیز برجسته بود و به‌ویژه آقای کرزی به دلیل این‌که هم‌چنان رییس‌جمهوری بر حال کشور بود، از امکانات دولتی به اندازهٔ کافی به نفع خود استفاده برد. آقای کرزی در دو انتخابات ریاست‌جمهوری، تجارب فراوانی از استفاده‌جویی‌های دولتی اندوخته و بدون شک اگر او بخواهد از نامزد خاصی حمایت کند، از چنین امکاناتی بازم استفاده خواهد کرد.

از جانب دیگر، آقای کرزی نمی‌تواند نسبت به سرنوشت انتخابات بی‌تفاوت باشد. آقای کرزی در ماه‌های اخیر دچار نوعی توهم شده و سرنوشت انتخابات را با سرنوشت سیاسی خود مرتبط می‌داند. آقای کرزی دچار این توهم شده که پس از کنار رفتن از قدرت، احتمال دارد که سرنوشت تلخی در انتظار او و اطرافیانش باشد؛ سرنوشتی که حتا ممکن است به دلیل اشتباه‌های بزرگ سیاسی‌یی که آقای کرزی در دوازده سال گذشته انجام داده، پای او را به دادگاه بکشاند.

از سوی دیگر، آقای کرزی دچار این توهم شده است که از دست دادن قدرت را به معنای باخت

است نه خروج کامل. پس از آن و حتی پس از سال ۲۰۱۵ هم‌چنان حضور امریکا در افغانستان ادامه دارد و به نیروهای افغان مشاوره می‌دهند.

امریکا اکنون در حال مذاکره با دولت افغانستان است تا برای ادامه حضور بخشی از نیروهایش در افغانستان یک پایه قانونی فراهم آورد.

دایبیز اظهار داشت که انتظار دارد حدود چند هزار تن از نیروهای ناتو نیز هم‌چنان در افغانستان باقی بمانند. به گفته دایبیز امریکا از پروسه برگزاری انتخابات در افغانستان حمایت می‌کند.

وی گفت که امریکا در حال همکاری نزدیک با همسایه‌های افغانستان از جمله پاکستان است تا به ثبات این کشور و یکپارچگی اقتصادی منطقه کمک کند.

دایبیز معتقد است که طالبان افغانستان دو شاخه متفاوت هستند و امریکا از روند مذاکرات صلح دولت افغانستان با طالبان حمایت می‌کند و حتی خود نیز به دنبال مذاکره با طالبان است. به گفته او امریکا خواهان بازگشایی دفتر سیاسی طالبان در دوحه قطر است.

فرستاده امریکا با خودداری از اظهار نظر مستقیم در خصوص مذاکرات پاکستان با طالبان گفت که در این رابطه شنیده است و سه بار هم تاکنون با نواز شریف،

تاثیرگذاری عبدالغنی برادر بر روند اقدامات طالبان به ویژه پس از چندین سال دوری وی از صحنه اقدامات تروریستی و شبه نظامی هم‌چنان مورد مناظره قرار دارد. وی که در ولایت ارزگان در جنوب افغانستان متولد شده برای مقابله با نیروهای شوروی سابق که به افغانستان در سال‌های ۱۹۸۰ میلادی حمله کرده بودند

در تمام عرصه‌ها برای خود و خانواده‌اش تلقی می‌کند. آقای کرزی عمدتاً از به قدرت رسیدن جناح‌های اپوزیسیون در هراس به‌سر می‌برد و تلاش‌های همه‌جانبه‌یی را آغاز کرده که نگذارد یک ایتلاف کلان سیاسی از نخبه‌گان و سیاست‌مردان کشور به وجود آید. چنین نگرانی‌هایی آقای کرزی را وامی‌دارد که خلاف وعده‌های خود و خلاف قوانین نافذۀ انتخاباتی، نسبت به برگزاری انتخابات بی‌تفاوت باقی نماند. شاید مطرح کردن آقای رسول در دیدار با رییس‌جمهوری روسیه به عنوان نامزد احتمالی انتخابات آینده کشور، به همین دلیل صورت گرفته باشد. آقای کرزی شاید خواسته که به این شکل و در حضور یکی از چهره‌های قدرت‌مند سیاست منطقه، عملاً حمایت خود از یک نامزد را اعلام کند. اما پرسش اصلی این‌جاست که آقای کرزی به چه حقی در برابر رهبر یک کشور خارجی، مسایل انتخابات افغانستان را مطرح کرده است؟

آقای کرزی در کمیسیون شکایات انتخاباتی، از پذیرش دو عضو بین‌المللی در ترکیب این کمیسیون به‌شدت ممانعت کرد و حتا حضور این دو عضو را در مغایرت با حاکمیت ملی دانست؛ اما حالا وقتی خودش نامزد احتمالی ریاست‌جمهوری آینده کشور را به رییس‌جمهوری روسیه معرفی می‌کند، نقض حاکمیت ملی بوده نمی‌تواند؟ چرا آقای کرزی قانون‌شکنی‌های خود را نمی‌بیند، ولی اگر چند عضو اپوزیسیون و اعضای جامعهٔ مدنی در یک کشور سوم با چند تن از سران مخالفان در راستای مسایل صلح دیدار کنند، این موضوع نقض حاکمیت ملی می‌تواند باشد؟ چرا دیدارهای پشت پردهٔ نمایندگان آقای کرزی با طالبان که مشخص نیست در چه سطحی بوده و چه نوع گفت‌وگوهایی انجام شده، یک امر کاملاً قانونی می‌تواند باشد؛ ولی وقتی دیگران نسبت به مسایل کلان کشور احساس مسولیت می‌کنند، آن‌گاه این موضوع به نقض حاکمیت ملی تعبیر می‌شود؟

آقای کرزی از حالا دخالت‌های مستقیم در انتخابات را آغاز کرده و اگر در این خصوص واکنش به‌موقع و متناسب داده نشود، بدون شک این دخالت‌ها تا تقلب‌های گسترده در انتخابات آینده ادامه پیدا خواهد کرد.

نخست وزیر پاکستان و دیگر مقامات این کشور دیدار داشته اما گفت که امریکا دخالت مستقیمی در این موضوع ندارد.

وی در خصوص تاثیر چین در ثبات افغانستان نیز گفت: امریکا و چین مشترکات زیادی در این زمینه دارند. چین رابطه نزدیکی با پاکستان دارد و در خصوص افزایش خشونت‌ها در منطقه نگران است.

او برای مثال از روابط چین و امریکا در خصوص افغانستان به طرح مشترک این دو کشور برای آموزش تعدادی از دیپلمات‌های افغان در واشنگتن و پکن اشاره کرد.

وی در خصوص روابط امریکا و پاکستان نیز گفت که در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ این رابطه تا حدی سرد شد اما تا پیش از روی کار آمدن دولت جدید دوباره از سرگرفته شده و اکنون پایدار است.

دایبیز در این خصوص که روسیه به دلایل مختلف با خروج نیروهای امریکا از افغانستان مخالف است گفت که روسیه و امریکا منافع تقریباً مشترکی در زمینه افغانستان دارند و گاهی اوقات در این زمینه مشورت‌هایی هم می‌کنند.

با حمایت امریکا و پاکستان وارد عمل شد. برادر زمانی که طالبان در سال ۱۹۹۶ میلادی در افغانستان قدرت گرفت با ملا عمر، رهبر ارشد این گروه طرح دوستی ریخت و در آن زمان معاون وزیر دفاع دولت وقت شد. عبدالغنی برادر در کراچی دستگیر و روانه زندان در پاکستان شد.

در انتخابات بی طرف...

و راه ما به طرف ثبات بهتر و محکم‌تر در این خاک است. پس هیچ زمانی در انتخابات و آوردن انتخابات باید شک نکنیم.» رییس‌جمهور افغانستان گفت با آن که برخی از ولایات افغانستان نا امن و به دست [در کنترل] بیرونی‌ها است، ولی با آن هم باید کوشش‌های بیشتری برای برگزاری انتخابات صورت گیرد. آقای کرزی گفت با آغاز کمپاین‌های انتخاباتی، بی‌طرفی مطلق خود را حفظ می‌کند؛ اما اجازه نمی‌دهد که خارجی‌ها در انتخابات مداخله کنند.

پیمان امنیتی در حالی که گفت‌وگوهای غیررسمی برسر موافقت نامه امنیتی بین هیات‌های افغانستان و ایالات متحده امریکا آغاز شده، رییس‌جمهور کرزی گفت این موافقت‌نامه در صورتی امضا می‌شود که ایالات متحده امریکا تضمین‌هایی به افغانستان بدهد.

رییس‌جمهور کرزی گفت افغانستان وقتی به امریکا پایگاه‌های نظامی می‌دهد که امنیت در این کشور تامین شود. او افزود که تضمین دیگر، تقویت نیروهای امنیتی افغانستان و تجهیز آن‌ها با توپ و تانک و طیاره است.

آقای کرزی گفت شرط اساسی دیگر افغانستان برای امضای این موافقت‌نامه تقویت اقتصاد افغانستان است تا جوانان این کشور بیش از این مجبور نشوند که برای کار به کشورهای دیگر بروند. کرزی گفت حاکمیت ملی افغانستان باید در این موافقت‌نامه تضمین شود. او تاکید کرد در صورتی که این شرط‌ها پذیرفته نشوند، حکومت آینده موافقت‌نامه امنیتی را امضا خواهد کرد.

رییس‌جمهور افغانستان گفت امریکایی‌ها تاکید دارند که این موافقت‌نامه تا ماه اکتوبر امضا شود: «آن‌ها عجله دارند، ما هیچ عجله نداریم. اگر تا ماه میزان و اکتوبر به توافق نرسیدیم و ضمانت‌هایی را که ما می‌خواهیم برای ما ندادند، انتظار می‌کشیم برای حکومت آینده؛ حتمی نیست که من امضا کنم. رییس‌جمهور نو می‌آید.»

صلح به هر قیمتی رییس‌جمهور کرزی گفت صلح در افغانستان به هر قیمتی که شده باید تامین شود: «حتی زمانی که برادرم را شهید کردند پیام جنگ ندادم، بلکه پیام صلح دادم. صلح ضرورت و حق مردم افغانستان است. باید برایش کوشید به هر قیمتی و به هر وسیله‌یی.»

آقای کرزی گفت رهبران طالبان در پاکستان، چین و دویب زنده‌گی مرفه دارند در حالی که طالبان عادی همه روزه در افغانستان کشته می‌شوند. کرزی افزود تلفات نیروهای امنیتی افغانستان برایش رنج آور است اما از کشته شدن طالبان نیز خوش نمی‌شود.

خونین‌ترین سال...

سال جاری را نیز برای نیروهای اردوی ملی خونین‌ترین زمان، عنوان کرد.

او گفت: «انتخابات را در پیش روی داریم، ده‌ها دلیل و عوامل سبب شد که مخالفان حملات خود را افزایش بدهند. امسال ما یک سال بسیار خونین را داشتیم، استخبارات منطقه، کشورهای معین و حلقات مشخصی که سرخ و قومانده جنگ در دست‌شان است و بی‌ثباتی ما را می‌خواهند، توسط مزدوران شان طالبان جنایتکار در افغانستان امسال بازم یک قربانی از مردم ما گرفتند. پیش از آمدنم به اینجا یک اطلاع دقیق برابم رسید که دشمن همین تصمیم را دارد که به زعم خودش اجازه ندهد که انتخابات در افغانستان صورت بگیرد، برایشان می‌گویم که آرمانت را همان گونه در گذشته به گور برده‌یی پس از این هم خواهی برد.»

با آنکه آقای محمدی از کدام کشوری مشخص نام نبرد، اما در گذشته مقامات حکومت افغانستان استخبارات و ارتش پاکستان را به دامن زدن در ناامنی‌های افغانستان متهم کرده اند.

با وجود همه تهدیدات موجود امنیتی درافغانستان، رییس‌جمهور کرزی و تعدادی از احزاب سیاسی در کشور، بر برگزاری به موقع انتخابات تاکید دارند.

شورای امنیت افغانستان هم از نیروهای امنیتی خواسته که بالای پلان امنیتی انتخابات با دقت کار کنند. در این حال، عمر داوودزی سرپرست وزارت داخله به روز سه‌شنبه در مجلس سنا، برخی از موارد این پلان را روشن ساخت.

وی گفت که از مجموع شش هزار و هشت صد مرکز رای دهی در کشور نیم آن هنوز هم با مشکلات امنیتی روبرو اند: «به تعداد ۹۴۵ با تهدید پابن، ۱۰۷۴ مرکز با تهدید متوسط، ۱۱۳۲ مرکز با تهدید بلند امنیتی قرار دارند و ۲۵۹ مرکز دیگر با تهدید بلند و ولسوالی‌های تحت تسلط مخالفان غیر فعال گزارش شده است.»

آقای داوودزی می‌گوید که هم‌اکنون در باره امنیت انتخابات قضاوت کرده نمی‌تواند چرا که به گفته وی، چندین ماه دیگر وقت باقی است.

به گفته وی، با تطبیق پلان‌های مشترک امنیتی که توسط نیروهای افغان و بین‌المللی به اجرا گذاشته خواهد شد، به وضعیتی دست خواهد یافت تا یک انتخابات قابل قبول را در کشور برگزار کنند. به اساس معلومات کمیسیون مستقل انتخابات، در حال حاضر از میان ۴۴۰ ولسوالی در کشور در چهار آن مراکز ثبت نام رای دهنده‌گان به دلیل ناامنی‌ها، گشایش نیافته است.



یک مقام سازمان ملل در کابل:

وضعیت حقوق بشر در افغانستان رو به وخامت است



ماه اسد منتشر شد، اعلام کرد که در شش ماه اول سال جاری میلادی در افغانستان، ۱۳۱۹ غیرنظامی کشته و ۲۵۳۳ تن دیگر زخمی شده‌اند که در مقایسه با زمان مشابه در سال گذشته ۲۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد. (عقبگرد برای کمیسیون حقوق بشر افغانستان)

خانم پیلائی همچنان از اعضای تازه معرفی شده کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان انتقاد کرد.

رئیس جمهوری افغانستان در ماه جوزا، هژده ماه پس از آنکه موعد کاری پنج تن از اعضای پیشین کمیسیون حقوق بشر تمام شد، پنج عضو جدید کمیسیون مستقل حقوق بشر را منصوب کرد.

نزدیکی افراد تازه معرفی شده در کمیسیون با ارگ ریاست جمهوری و نداشتن سابقه کاری در عرصه حقوق بشر از مهم ترین انتقادات شماری از نهادهای جامعه مدنی در گزینش افراد جدید در کمیسیون مستقل حقوق بشر بود.

همچنان یکی از اعضای جدید کمیسیون حقوق بشر افغانستان سابقه کار در حکومت طالبان را دارد.

ناوی پیلائی با توجه به این مسایل گفت: «من نگرانم که انتصاب کمیسارهای جدید، کمیسیون حقوق بشر افغانستان را ضعیف سازد. بر اساس اصولنامه پاریس باید کسانی در این نهاد منصوب شوند که مسایل حقوق بشر را بدانند و دست‌کم در بخش حقوق بشر تا اندازه‌ای تجربه داشته باشند.»

رئیس بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد گفت که گزینش پنج عضو تازه کمیسیون مستقل حقوق بشر سبب خواهد شد که این کمیسیون در ارزیابی ماه نوامبر (کمیته بین المللی هماهنگی) مقام خود را از دست داده و به عنوان یک نهاد درجه دوم شناخته شود. به گفته او این امر برای یک نهاد حقوق بشری، عقبگردی دردناک خواهد بود.

یافته است. خانم پیلائی همچنان می‌گوید که تلاش‌هایی به گونه پنهان در افغانستان جریان دارد تا حمایت از حقوق زنان را ضعیف سازد.

او می‌گوید که به همین دلیل قانون منع خشونت علیه زنان اجرا نمی‌شود. سازمان دیده بان حقوق بشر نیز به تازگی از رئیس جمهوری افغانستان خواسته که برای اجرایی شدن این قانون، بیشتر بکوشد. این قانون که در حال حاضر بر اساس فرمان تقنینی حامد کرزی اجرایی است. قرار بود در مجلس نمایندگان تصویب شود اما با مخالفت‌هایی از سوی افراد محافظه کار رو به رو شد و از اجندای مجلس بیرون کشیده شد.

رئیس بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد، نیز از رئیس جمهور کرزی به صورت جدی خواست که دستاوردهای یک دهه گذشته در بخش حقوق بشر نباید قربانی معاملات سیاسی در جریان انتخابات شود. افزایش تلفات غیرنظامیان در شش ماه نخست سال جاری از نگرانی‌های دیگر خانم پیلائی بود.

دفتر هیات نمایندگی سازمان ملل در افغانستان، یوناما، در گزارش تازه خود که در

ناوی پیلائی، رئیس بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد که به افغانستان سفر کرده، از بدتر شدن وضعیت حقوق بشر در افغانستان ابراز نگرانی کرد.

او روز گذشته در یک نشست خبری در کابل گفت که در جریان بیش از یک دهه گذشته افغانستان شاهد پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه حقوق بشر بوده، اما حالا وضعیت حقوق بشر در این کشور رو به وخامت است.

به گفته او، این نگرانی وجود دارد که با پایان برنامه انتقال مسوولیت‌های امنیتی و سیاسی از خارجی‌ها به افغان‌ها، دستاوردهای یک دهه گذشته از بین برود.

او افزود: «من از اینکه وضعیت حقوق بشر در افغانستان رو به وخامت است، جدا نگران هستم. فعالان مدنی افغانستان نیز نگران هستند که دستاوردهای دوازده سال گذشته با خطر رو به رو شود.»

خانم پیلائی به کاهش سهم اختصاصی زنان در شوراهای ولایتی به عنوان نمونه اشاره کرد.

در قانون جدید انتخابات افغانستان، کرسی‌های زنان در شوراهای ولایتی این کشور، از ۲۵ درصد به ۲۰ درصد کاهش

د مولانا سمیع الحق...

په همدې حال کې د سياسي چارو بل شنونکي مير احمد جوینده وايي، په کار ده چې د افغانستان عالمان، جهادي مشران، مدني ټولني، رسني او نور شته ارگانونه په پراخو مدني حرکتونو او عکس‌العملونو سره د طالبانو د معنوي پلار مولانا سمیع الحق څرگندونې په کلکه رد کړي.

دی وايي، تر هغې چې د مولانا سمیع الحق څرگندونې په کلکه رد نشي او ټول افغانان یې پر وړاندې غبرگون ونه نښي، دغه ډول خبرې به پای ته ونه رسېږي او دوام به وکړي.

هغه زیاتوي، څه وخت وړاندې ولسمشر کرزي له مولانا سمیع الحق نه غوښتي ول، چې د سولې په خبرو کې ورسره همکاري وکړي؛ خو هغه یې خبرو ته غوږ ونه نیوه او افغان حکومت هم د دې خبرو پر وړاندې جدي غبرگون نشي ښودلای او باید ډېره گپه هم تری ونه شي.

نوموړی په دې باور دی، چې حکومت تر اوسه روښانه دریځ نه لري، ځکه یوه ته ورور، بل ته کاکا او بل ته دښمن وايي، نو نباید ترې د جدي غبرگون تمه وشي.

ښاغلی جوینده وویل، مولانا سمیع الحق له ای ایس ای سره نږدې اړیکې لري او په دغه ډول څرگندونو سره غواړي خلکو ته وښيي، چې له افغانستانه د بهرنیو ځواکونو په وتلو سره طالبان واک ته رسېږي، چې هم طالبان وهڅوي او هم ورته د پاکستان د خلکو باور خپل کړي.

ده زیاتوي، نوموړی په افغانستان کې له شته

اظهارات سمیع الحق به روابط کابل ...

روابط کابل و اسلام آباد ضرر برساند؛ نیاز است که اسلام آباد در وضعیت فعلی باریکی‌های دیپلماتیک و رسم همسایه داری را در نظر داشته باشد.

او می‌گوید که طالبان بسیاری از رهبران خود را از دست داده و ضعیف شده‌اند، به این اساس هیچ وقت نمی‌تواند حکومت افغانستان را سرنگون کرده و دوباره در این کشور قدرت را در دست بگیرند. او می‌افزاید: «ما هیچ وقت به گذشته بر نمی‌گردیم. ما به هیچ کس اجازه نمی‌دهیم که مانند گذشته بالای مردم افغانستان ظلم کند. این آزادی، پیشرفت‌ها و دست‌آوردهایی که حالا دیده می‌شوند، به قیمت خون هزاران افغان کسب شده‌اند.»

مولانا سمیع الحق رهبر مذهبی پاکستان، در

پرمختگونو او وضعیت له بدلون نه نا خبره دی او په هماغه وخت کې ژوند کوي، چې طالبان یې افغانستان ته راوړي ول، افغانستان نور طالباني حکومت نه غواړي، نړۍ واله ټولنه چې د افغان ملت تر څنګ ولاړه ده، له پاکستان پرته گاونډي او د سيمې هېوادونه هم په هېڅ صورت ورته د طالبانو حکومت د منلو وړ نه دی او دا خبرې د هغه نا خبري نښي.

د یادونې وړ ده چې، د طالبانو معنوي پلار مولانا سمیع الحق روپټرز خبري اژانس ته ویلي، چې له افغانستانه د بهرنیو ځواکونو په وتلو سره به طالبان بېرته په دغه هېواد کې واک ته ورسېږي.

هغه چې په پاکستان کې د حقایق دارالعلوم په نوم د طالبانو د روزنې یوه لویه مدرسه هم لري وايي، واک ته د طالبانو په بیا رسېدو سره به افغانان خوښ شي او ستونزې به حل شي.

ده په وینا، چې د افغانستان د ناوړین حل واک ته د طالبانو له رسېدو پرته بله هېڅ لاره نه لري. مولانا سمیع‌الحق په وار وار په افغانستان کې د جهاد په روا کولو او له طالبانو خپل ملاتړ اعلان کړی دی او طالب مشر ملا محمدعمر یې د خپلي مدرسې زده کوونکی بللی.

نوموړي چې په دیوبند کې زده کړې کړي، د جهاد په کلونو کې له مجاهدینو په ځانگړي ډول له محمدیونس خالص، محمدنبي محمدي او جلال‌الدین حقاني ملاتړ کاوه. خو د طالبانو په واکمنی او له هغې را وروسته یې د طالبانو ملاتړ ته دانگلي دي.

شرایطی چنین اظهار نظر می‌کند که دو کشور همسایه در تلاش بهبود روابط شان هستند. از جمله این تلاش‌ها، آزادی زندانیان طالبان از زندان‌های پاکستان در یک ماه گذشته می‌باشد.

مولانا سمیع الحق که به «پدر طالبان» نیز شهرت دارد، در اظهارات اخیرش گفته است که: «اگر طالبان را یکی دو سال وقت بدهند، تمام مردم افغانستان با آنها می‌پیوندند.» او گفته است: «طالبان با کسی کاری ندارند، آنها تنها می‌خواهند در نظام تغییر وارد کنند.» شورای عالی صلح افغانستان نیز گفته‌های این ملای پاکستانی را خواب و خیالی بیش نمی‌داند و می‌گوید: «این ادعای مولانا سمیع الحق، که زمانی معلم ملا عمر رهبر طالبان بود، پایه و اساس ندارد.»



جنگ لفظی مدیر برنامه‌های نیمار و کریستیانو رونالدو بالا گرفت



اما وقتی که سن نیمار را داشت، یک بازیکن معمولی بود، اکنون رونالدو فقط به این دلیل از نیمار بهتر است که سنش از او بیشتر بوده و توانسته در این سال‌ها به موفقیت‌های زیادی برسد. نیمار پس از این که موفق شد در سال ۲۰۱۱ همراه لیبرتادورس برسد به بارسلونا پیوست.

مارادونا از مسی بهتر بود



مسی و هم‌تیمی‌هایش بوده است. کانجیگا در گفت‌وگو با رادیو ۹ آرژانتین عنوان کرد: مسی اکنون بهترین بازیکن جهان است اما کارهایی را که مارادونا انجام داده، انجام نداد. هیچکس نمی‌تواند کارهایی را که مارادونا در ناپولی انجام داد، انجام دهد. ناپولی تیم خوبی بود اما هرگز به قهرمانی نرسیده بود. با این حال مارادونا بار تیم را به دوش کشید و موفق شد این تیم را به یک تیم قهرمان تبدیل کند. این کاری است که هیچکس نمی‌تواند انجام دهد. کانی‌گیا در ادامه با اعلام اینکه مارادونا در جام جهانی ۱۹۹۴ به دروغ متهم به استفاده از مواد نیروزا شد، گفت: هیچکس دوست نداشت تا آرژانتین برای یک بار دیگر قهرمان شود. وقتی فهمیدند که آرژانتین در آستانه قهرمانی در جام جهانی است، آن اتفاق‌ها افتاد که همه می‌دانید. مارادونا بهترین بازیکن جهان بوده، است و خواهد بود.

گرت بیل یک استعداد ترسناک است



سرخپو راموس با ستایش از عملکرد گرت بیل، او را یک بازیکن با استعداد و خطرناک توصیف کرد. گرت بیل که با رقم خیره‌کننده ۸۶ میلیون پوند به رئال مادرید پیوست، در اولین دیدار خود با تیم جدیدش عملکرد خوبی داشت و موفق شد گل اول تیمش را به ثمر برساند. سرخپو راموس در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره گرت بیل گفت: او بزرگ‌ترین انتقال تابستان فوتبال در اروپا بود و اکنون خیلی خوشحال هستیم که این بازیکن در تیم ماست. به این دلیل که تاکنون خیلی کم در لیگ قهرمانان اروپا بازی می‌کرد، درصد آمادگی نرسیده.

Mandegar

اهدای مدال غازی میر مسجدی خان به منصور فقیریار دروازه بان تیم ملی



رییس جمهور کززی، منصور فقیریار دروازه بان تیم ملی فوتبال و کرام الدین کریم رییس فدراسیون فوتبال کشور را با تفویض مدال غازی میر مسجدی خان مورد تقدیر قرار داد. در مراسمی که بدین مناسبت قبل از ظهر روز گذشته در ارگ برگزار گردید، منصور فقیریار دروازه بان تیم ملی و کرام الدین کریم رییس فدراسیون فوتبال افغانستان که در محفل تقدیر از سایر بازیکنان تیم ملی کشور حضور نداشتند، روز گذشته مورد تقدیر رییس جمهور کشور قرار گرفتند. رییس جمهور طی فرمانی به منصور فقیریار دروازه بان تیم ملی فوتبال کشور مدال غازی میر مسجدی خان، توزیع یک باب اپارتمان در پروژه وزارت شهر سازی در منطقه خواجه رواش کابل و کمک نقدی یک میلیون و یکصد هزار افغانی و به کرام الدین کریم رییس فدراسیون فوتبال افغانستان مدال غازی میر مسجدی خان را منظور نموده بود.

وزارت داخله افغانستان: اظهارات سمیع الحق به روابط کابل - اسلام آباد تأثیر منفی برجای می‌گذارد

مولانا سمیع الحق یک رهبر مذهبی در پاکستان اخیراً گفته است که طالبان در افغانستان دوباره قدرت را به دست می‌گیرند. مقامات افغانستان اظهارات وی را مداخله مستقیم پاکستان در امور افغانستان می‌خوانند.

مولانا سمیع الحق، یکی از ملا های پاکستانی و امر مدرسه حقانیه گفته است که بعد از خروج نیروهای بین المللی از افغانستان تا پایان ۲۰۱۴ میلادی، باز هم در این کشور طالبان قدرت را بدست خواهند گرفت.

پس از این اظهارات وی که در رسانه های پاکستانی انعکاس گسترده‌یی داشت، مقامات افغانستان از حکومت پاکستان خواسته اند تا جلو چنین گفته‌هایی را بگیرد که می‌تواند بالای روابط دو کشور تأثیر سوء داشته باشند.

این ملای پاکستانی گفته است که: «طالبان برای آزادی افغانستان می‌جنگند». در واکنش به این گفته او، وزارت داخله افغانستان گفته است که طالبان به هیچ صورت از طریق زورگویی و سلاح در افغانستان نمی‌توانند جایگاهی را به دست آورند.

صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله افغانستان م‌گوید که چنین اظهاراتی می‌تواند به... ادامه صفحه ۷

د مولانا سمیع الحق نه پوره کپدونکی خوبونه!



د ولس د پاملرنې وړ ګرځېدلي وي. نوموړی زیاتوي، له همدې امله دا ډول خبرې اساس او بنسټ نه لري.

ښاغلی دره صوفي په دې باور دی، چې چې د بحران اصلي لامل طالبان دي؛ خو د طالبانو په حکومت سره د بحران پای ته رسېدل ناممکنه دي؛ ځکه د طالبانو حکومت او د رژیم له ړنگېدو وروسته د طالبانو رامنځته کړو تاوتریخوالو ستونزې جوړې کړي دي.

هغه زیاتوي، کومې ډلې چې بحران رامنځته کړی وي، په هېڅ صورت بحران له منځه نشي وړلای او بحران ختموونکي نشي ګنل کېدای.

د سیاسي چارو دغه شننندی وایي، اوسنی پیل شوی ناورین هغه مهال پای ته رسېدای شي، چې طالبان د افغانستان اساسي قانون ومني، خلکو او د تېرې یوې لسیزې لاسته راوړنو ته درنښت او احترام ولري... ادامه صفحه ۷



+93 (0) 752 044 000
info@harakat.af
www.harakat.af

VACANCY – Director of Projects

Harakat – Afghanistan Investment Climate Fund Organization is an independent, not-for-profit, Afghan-managed organization that aims to improve Afghanistan's business environment. We provide grant funds to Government, Civil Society, and the Private Sector to implement activities that will reduce or remove barriers that currently make it difficult to do business in Afghanistan.

Harakat has a Vacancy for Director of Projects in the Project Management and Development Unit. The Director of Projects is responsible for directing the overseeing the technical aspects of the identification, design and delivery of Harakat funded projects to support the Climate for Private Sector Development. The Director of Projects will also manage a team of senior projects managers and project officers who will carry out the day to day aspect of projects portfolio management.

Please go to www.harakat.af for a full Job Description for this position and method of Application.

The closing date for receiving applications in Sep ۲۷, ۲۰۱۳

اعلان کارایی - رئیس پروژه های حرکت

حرکت - اداره تسهیلات در محیط سرمایه گذاری افغانستان یک نهاد مستقل، غیر انتفاعی و تحت مدیریت افغان ها بوده که هدف از ایجاد آن بهبود محیط سرمایه گذاری و تجاری در افغانستان میباشد. این نهاد کمک های مالی را به پروژه هایی ارائه می نماید که توسط دولت افغانستان، جامعه مدنی و سکتور خصوصی تطبیق میگردد و هدف آن کاهش یا رفع موانع موجود فرا راه فعالیت های اقتصادی در افغانستان میباشد.

بدینوسیله حرکت یکی از پست های کلیدی این نهاد را تحت عنوان " رئیس پروژه ها " که مسؤولیت رهبری بخش مدیریت و انکشاف پروژه ها را عهده دار میباشد، به اعلان میگذارد. این سمت مسؤولیت نظارت و امور تخنیکي تمامی امور طرح و بازدهی پروژه های حرکت را در راستای ایجاد یک محیط مناسب سرمایه گذاری و انکشاف سکتور خصوصی دارد. علاوه، رئیس پروژه های حرکت مسؤولیت رهبری و مدیریت یک تیم از مدیران ارشد و کارمندان پروژه ها را که فعالیت های روزمره این دیپارتمنت را به پیش میبرند، نیز عهده دار میباشد.

برای جزئیات بیشتر لطف نموده به صفحه وب سایت ما در www.harakat.af رجوع نموده و جزئیات بیشتر پیرامون لایحه وظایف برای این سمت و چگونگی ارسال درخواستی تانرا را دریافت نمائید.

تاریخ ختم دریافت درخواستی به این سمت ۲۷ سپتامبر سال ۲۰۱۳ میباشد.